

۵۰ درصد احکام برنامه ششم متولی نداشت!

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طی گزارشی به مستندسازی و بررسی تجربه تدوین و تصویب برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) از سیاست‌های کلی تا قانون برنامه در مجلس نهم و دهم پرداخته است. در ادامه به بخش‌هایی از این گزارش مفصل اشاره می‌شود.

در بخش آسیب‌شناسی این گزارش آمده است: «نگاه آسیب‌شناسانه به فرآیند تدوین برنامه ششم توسعه و ارزیابی و تحلیل نقادانه آن حاوی نکات بااهمیتی است که می‌تواند مورد توجه پژوهشگران، صاحب‌نظران، مسئولان و برنامه‌ریزان کشور قرار گیرد. واکاوی لایحه احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم حاکی از آن است که بالغ بر ۶۰ درصد از موارد ارائه‌شده در لایحه مذکور نیز ماهیت دائمی داشته‌اند. این موضوع از یک سو، با استدلال مطرح‌شده جهت ارائه لوایح جداگانه (لایحه تنظیم و لایحه احکام مورد نیاز) تناقض داشت و از سوی دیگر، می‌تواند به لحاظ موقتی بودن ماهیت برنامه‌های میان‌مدت، محل‌تامل باشد. بررسی‌های انجام‌شده درخصوص لایحه احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم، حکایت از آن دارد که تنها در ۴۸ درصد از احکام لایحه، دستگاه‌های مسئول مشخص‌شده و مابقی بندها یا دارای دستگاه مسئول نیستند یا به‌صورت مبهم از «دستگاه اجرایی» نام برده‌شده است. صرف‌رادر حدود ۶۸ درصد از احکام «لایحه احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم»، ماهیت «تکلیفی» داشته‌اند؛ در ۲۴ درصد موارد به دستگاه‌های مسئول «اجازه» انجام امور مربوطه اعطا شده است و وضعیت ۸ درصد احکام مورد بررسی، از منظر تکلیف یا اجازه، نامشخص ارزیابی می‌شود.» در این گزارش تصریح شده است: «در مورد تطابق اهداف و اقدامات اجرایی پیش‌بینی‌شده در لایحه احکام مورد نیاز، توجه به این نکته حائز اهمیت است که در این لایحه بالغ بر ۵۴ هدف کلی، برای ۳۵ ماده و ۱۰۷ بند، ذکر شده که این تعداد و گستردگی اهداف و عدم اولویت‌بندی آنها نشان‌دهنده عدم شناسایی مسائل اساسی کشور از سوی دولت است. در نتیجه می‌توان انتظار داشت برنامه مربوطه ارفع بحران‌های کشور نباشد و به‌غیر اجرای بودن اقدام‌ها منجر شود. تقریباً ۵۱ درصد از احکام پیشنهادی در لایحه احکام مورد نیاز، حاوی بار مالی برای دولت بوده‌اند که با توجه به وضعیت مالی دولت، تجربه برنامه‌های گذشته و بررسی روند‌های آینده، قابل پیش‌بینی بود که تامین منابع مورد نیاز، به‌عنوان چالش جدی در انجام وظایف و تکالیف برنامه، پیش‌روی دولت قرار گیرد.»

در این گزارش با بیان اینکه از سوی دیگر، لایحه احکام مورد نیاز برنامه ششم توسعه از منظر اصول برنامه‌ریزی میان‌مدت کاستی‌هایی داشت که توجه به آنها در تدوین برنامه‌های توسعه از ضرورت بالایی برخوردار است، آمده: «ناهماهنگی با اسناد فرادست، مشخص نبودن ارتباط آن با «برنامه توسعه»، ارتباط ضعیف آن با سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، مشخص نبودن ارتباط آن با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بی‌توجهی به ملاحظات آینده‌شناختی، توجه ناکافی به ارائه ارقام داده‌ها و شاخص‌های کمی مورد نیاز، مشخص نبودن دیدگاه و نگرش لایحه از منظر منطق اولویت‌گذاری‌ها با مسکوت گذاشتن آنها، نامشخص بودن مبنای مجوزگیری برای تحقق اهداف (کسب مجوز برای برخی موارد جزئی در عین حال مسکوت بودن در قبال اخذ مجوزهای لازم برای برخی موارد اساسی)، نامشخص بودن معیار تفکیک احکام توسعه دائمی و کوتاه‌مدت، مشخص نبودن اولویت‌ها و تناسب مجوزها با چالش‌های اساسی اقتصاد کشور، توجه ناکافی به ذی‌نفعان در احکام پیشنهادی، شرح زمان‌بندی نامشخص، فقدان احکام فرایشی و عدم تعیین وظایف متقابل دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها، فقدان فصل‌بندی و ترتیب موضوعی مواد، احاله به اسنادی که هنوز تدوین نشده‌اند و مشکل در تطبیق بودجه سال ۱۳۹۵ (سال اول برنامه) با برنامه توسعه از جمله این موارد هستند.» در ادامه این گزارش می‌خوانیم: «بروز برخی آسیب‌ها و چالش‌های فرآیند تصویب برنامه ششم توسعه به‌دلیل عدم تمایل دولت به ارائه لایحه کامل برنامه ششم و بدعت این نهاد در ارائه بخشی از احکام به‌عنوان احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم بود که در نهایت به‌مدت‌خلة کوتاهی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در لایحه برنامه ششم منجر شد.» این موضوع آسیب‌هایی به‌همراه داشت که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است: «تسلط یافتن نگاه‌های کوتاه‌مدت بر برنامه توسعه کشور، نبود ظرفیت فرصت لازم و کافی برای مجلس درخصوص تشخیص اولویت‌ها و نیازهای برنامه‌ای کشور، طرح‌آوری پیشنهادهای الحاقی که اغلب پشتوانه کارشناسی لازم را نداشتند، ظهور برخی مطالبات منطقه‌ای.»

نتیجه‌نهایی موارد فوق‌الذکر، انحراف منابع و سیاست‌گذاری‌ها از چالش‌های اساسی کشور بود. علاوه بر این، تقیص نبود معیار مشخص در تفکیک احکام دائمی از احکام کوتاه‌مدت در تدوین دولا یحه پیشنهادی دولت (لایحه تنظیم و لایحه احکام مورد نیاز) در مجلس نیز ادامه یافت و علی‌رغم تصویب «قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور»، احکامی با ماهیت دائمی و گاهی غیربرنامه‌ای در قانون برنامه ششم توسعه نیز به تصویب رسید.»

چند پیشنهاد برای برنامه هفتم

در قسمت پیشنهادها هم آمده است: «آکنون که سال پایانی برنامه ششم توسعه درحال سپری شدن است، به‌نظر می‌رسد بهره‌گیری از تجربیات به‌دست‌آمده در فرآیند تدوین و تصویب این برنامه، بتواند در آستانه آغاز تدوین برنامه هفتم توسعه، آموزه‌های گرانسنگی را به‌منظور ارتقای کیفی واثر بخشی برنامه‌آنی توسعه کشور در اختیار مسئولان و دست‌اندرکاران امر قرار دهد.» از این رو، بر مبنای بررسی‌های صورت گرفته، به‌منظور بهبود عملکرد فرآیند تدوین و تصویب برنامه هفتم توسعه کشور پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود: «دقت نظر کافی مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام، به‌عنوان مرجع تدوین پیش‌نویس سیاست‌های کلی برنامه توسعه، برای تعیین سیاست‌های کلی مساله‌محور و متمرکز بر چالش‌ها و اولویت‌ها اصلی کشور؛ پالایشی دولت محترم نسبت به تدوین لایحه برنامه توسعه با کیفیت، مبتنی بر آنچه در قوانین مربوطه تصریح‌شده به‌صورتی که لایحه مذکور دارای ویژگی‌هایی نظیر «تمرکز بر مسائل و اولویت‌های اساسی کشور»، «قابلیت اجرا شدن در دوره مورد نظر»، «آرژومحور نبودن و تناسب داشتن با منابع، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های کشور»، «توجه بایسته به ملاحظات آینده‌شناختی»، «برقراری هماهنگی و همسویی کامل میان اجزای مختلف آنها»، «شفافیت»، «توجه کافی به ذی‌نفعان در جهت جلب مشارکت عمومی جامعه در فرآیند توسعه کشور»، «ارائه اهداف کمی، قابلیت ارزیابی»، «مشخص بودن دستگاه‌های مسئول»، و «برخورداری از زمان‌بندی مشخص و منطقی» باشد.»



مهدی عبداللهی

دبیر گروه اقتصاد

وجود زیرساخت‌های مناسب صنعت پرداخت برای افزایش کارایی موسسات مالی و بازارهای مالی، جلب اعتماد مصرف‌کنندگان و تسهیل تعاملات اقتصادی و تجارت کالاها و خدمات، ضروری است. نقش دستگاه‌های POS در مبادلات تجاری این روزها به‌قدری مهم شده که این تعبیر وجود دارد که سیستم پرداخت یک کشور همان نقشی را در بازارهای حقیقی و مالی بازی می‌کند که سیستم خون‌رسانی در بدن انسان دارد. اما از دیگر سوزنیز، وجود سامانه‌های پرداخت از جنبه شفافیت در اقتصاد بسان یک معجزه هستند. امروزه در سطح جهان صندوق‌های فروش مکانیزه به‌عنوان یک منبع قابل استناد برای مراجع مختلف مرتبط با فروش و درآمد عمل می‌کنند، بخش مهم و تاثیرگذار هر صندوق مکانیزه میادی پرداختی آن یعنی دستگاه POS است. دستگاه‌های POS قادرند به‌صورت خودکار به انواع سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای فروشگاهی متصل شوند. خروجی اطلاعات POS برای فروشنده، صاحب فروشگاه و حتی اصناف زیرمجموعه و دولت (سازمان امور مالیاتی) قابل استناد است. از این منظر، یکسان بودن اطلاعات صندوق‌های مکانیزه فروش مجهز به کارتخوان بهترین نوع شفافیت مالی را ایجاد می‌کند. آمارها نشان می‌دهد سرانه کارتخوان‌ها در ایران چهاربرابر میانگین جهانی بوده و ایران در تعداد POS‌ها پس از چین، دوم جهان است. به‌نظر می‌رسد سیاستگذار بدون برنامه و رویکرد خاصی اقدام به توزیع افراطی دستگاه‌های POS در کشور کرده که همین عامل به‌جای شفافیت، می‌تواند عامل فرار مالیاتی و هرچه غیرشفاف‌شدن اقتصاد ایران شود. استفاده از چندین دستگاه POS در هر واحد صنفی امری است که اغلب شهروندان در واحدهای صنفی مشاهده و ملاحظه کرده‌اند.

ترسید ۲۶ میلیون تومان سود معاف از مالیات

براساس اظهارات محمد برزگر، رئیس مرکز تنظیم مقررات سازمان امور مالیاتی، ثبت دستگاه‌های کارتخوان از ۱۵ دی شروع شده و دارندگان دستگاه‌های کارتخوان فرصت دوهفته‌ای دارند تا دستگاه‌های خود را ثبت کنند. وی می‌گوید: «آخرین مهلت تعیین تکلیف دستگاه‌های کارتخوان، پایان دی امسال است و بعد از آن دستگاه‌های کارتخوان بانکی یا دارگ‌های پرداخت الکترونیکی که متناظر با پرونده مالیاتی نباشند، غیرفعال خواهند شد.» به گفته برزگر، در هفته اول حدود ۷۵۸ هزار دستگاه کارتخوان در سامانه ثبت‌شده که از این تعداد ۴۰۳ هزار دستگاه به درخواست اتصال به پرونده ثبت‌شده‌اند و ۳۵۰ هزار دستگاه هم درخواست غیرفعال سازی دارند که عملیات مربوط به این دستگاه‌ها در حال اجراست، برزگر در ادامه به مواردی اشاره می‌کند که از اظهارات وی این‌طور می‌توان برداشت کرد که ممکن است بعضی افراد قبل‌ا دستگاه‌های کارتخوانی به نام دیگران ثبت کرده باشند که فرد آن‌را بی‌خبر است. وی می‌گوید: «شهروندان در سامانه امور مالیاتی از داشتن یانداشتن کارتخوان هم می‌توانند مطلع شوند تا در صورتی که ثبت کارتخوان از سوی خود آنها نباشد، بانک مرکزی این پایانه‌ها را قطع کند.» رئیس مرکز تنظیم مقررات سازمان امور مالیاتی در ادامه می‌گوید: «انجام این طرح به‌معنای دریافت مالیات بیشتر از مردم نیست و ما تنها قصد داریم که پرداخت مالیات به‌صورت واقعی انجام شود و افرادی که دستگاه‌های خود را در سامانه ثبت و تا پایان خرداد سال آینده اظهارنامه مالیاتی خود را ارائه کنند براساس قوانین ۲۶ میلیون تومان از سود آنها معاف از مالیات خواهد شد، اما کسانی که دستگاه‌های خود را ثبت نکنند ضمن محرومیت از این معافیت ممکن است به دلیل کتمان درآمد جریمه هم بشوند.»

۴ میلیون قطع کردیم!

هادی خانی، معاون فناوری‌های مالیاتی سازمان امور مالیاتی نیز هفته گذشته با تأکید بر این نکته که سازمان امور مالیاتی به دنبال داده مینا شدن است، گفت: «تاکنون اطلاعات پذیرنده‌های بیش از ۹ میلیون و ۷۰۰ هزار دستگاه و ابزار پرداخت الکترونیکی در کشور از سوی بانک مرکزی به سازمان امور مالیاتی ارائه شده است.» وی افزود: «هر دستگاه کارتخوان برای یک فعالیت اقتصادی مشخص استفاده می‌شود لذا ساماندهی این دستگاه‌ها منجر به لینک شدن فعالیت‌های اقتصادی با پرونده‌های مالیاتی می‌شود.» خانی گفت: «تاکنون چهار میلیون دستگاه توسط بانک مرکزی غیرفعال شده و این فرصت به مردم و فعالان اقتصادی داده شده که به صورت خود اظهارهای دستگاه‌های پرداخت الکترونیکی، تعیین تکلیف شود.» این اظهارات معاون فناوری‌های مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور در حالی است که براساس آخرین گزارش سازمان‌های بانک مرکزی سال ۱۴۰۰ تعداد کارتخوان‌های فعال ایران حدود ۹ میلیون و ۸۲۹ هزار دستگاه بوده است که نسبت به سال‌های قبل نهن‌تها کم‌نشده، بلکه افزایش بیش از ۴۰۰ هزار دستگاه نیز داشته‌است.

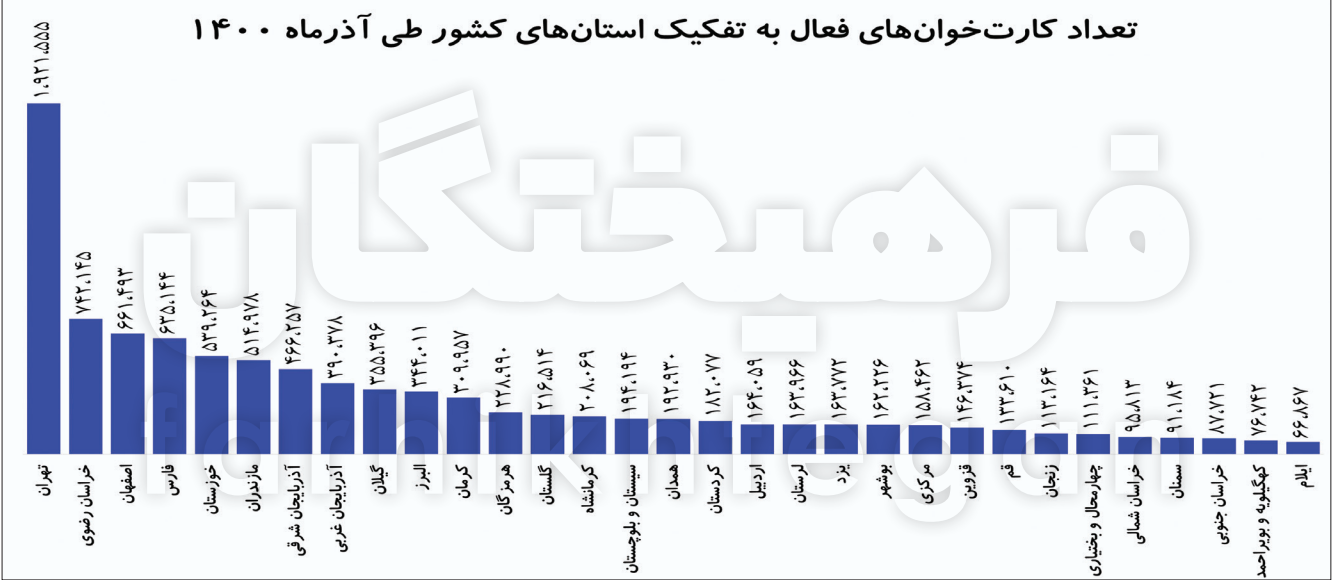
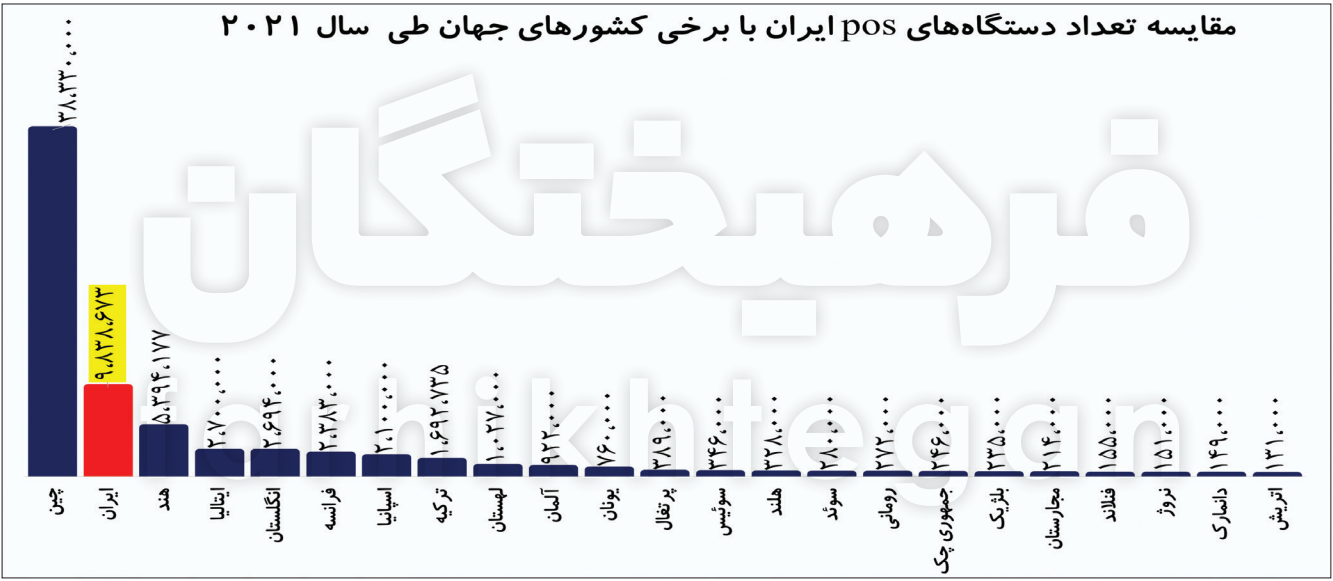
۷۰ درصد کارتخوان‌ها تعیین تکلیف شده با ۳ درصد!

گرچه بانک مرکزی ایران و سازمان امور مالیاتی هنوز از تعداد کارتخوان‌هایی که تعیین تکلیف شده‌آمار دقیقی منتشر نکرده‌اند، اما رئیس کل بانک مرکزی در روزهای اخیر درخصوص کارتخوان‌ها گفته است بانک مرکزی با سازمان امور مالیاتی کاملاً هماهنگ است و طبق برنامه‌ریزی افرادی که کارتخوان در اختیار دارند حتماً باید پرونده مالیاتی و کد شناسایی مالیاتی داشته باشند. اگر پرونده مالیاتی خودشان را تکمیل نکنند با هشداری که به آنها داده شده قطعاً کارتخوان‌هاشان قطع خواهد شد.

اقتصاد

به ازای هر ۸ ایرانی یک کارتخوان در کشور وجود دارد!

ایران رتبه دوم جهان در تعداد کارتخوان‌ها



به‌نظر می‌رسد حالا همین فناوری و زیرساختی که می‌توانست ابزار شفافیت اقتصادی، تسهیل گر روابط تجاری و معاملات در کشور باشد، خود به‌عنوان ابزاری برای فرارهای مالیاتی و هرچه غیرشفاف شدن اقتصاد ایران عمل می‌کند. تجربه میدانی نیز نشان می‌دهد ادعای مذکور تنها توهم نبوده و فعالان تجاری در صنف‌های مختلفی وجود دارند که برای فرار مالیاتی از چندین دستگاه POS استفاده می‌کنند.

۲۷ کشور اروپایی کمتر از تهران POS دارند

تصویر استانی تعداد دستگاه‌های POS نیز بسیار جالب توجه است. براساس آمارهای سیستم شاپرک در آذرماه سال جاری از مجموع ۹ میلیون و ۸۲۹ هزار دستگاه POS موجود در کشور، استان تهران با یک میلیون و ۹۲۱ هزار دستگاه در رتبه اول، خراسان رضوی با ۷۴۲ هزار دستگاه در رتبه دوم، اصفهان با ۶۶۱ هزار دستگاه در رتبه سوم، فارس با ۶۳۵ هزار دستگاه در رتبه چهارم، خوزستان با ۵۳۹ هزار دستگاه در رتبه پنجم قرار دارند. مازندران، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، گیلان و البرز نیز دیگر استان‌هایی هستند که به ترتیب در رتبه‌های ششم تا دهم جای گرفته و بیشترین تعداد دستگاه‌های POS را دارند. ایلام با ۶۷ هزار دستگاه، کهگیلویه بویراحمد با ۷۷ هزار دستگاه و خراسان جنوبی با ۸۸ هزار دستگاه سه استانی هستند که به ترتیب کمترین تعداد دستگاه‌های POS را دارند. نکته جالب توجه این است که تعداد دستگاه‌های POS استان تهران حدود یک میلیون دستگاه از POS‌های آلمان و ۳۰۰ هزار دستگاه از ترکیه بیشتر بوده و همچنین از POS‌های تکتک ۲۷ کشور اروپایی شامل لهستان، آلمان، یونان، هلند، پرتغال، سوئیس، سوئد، رومانی، جمهوری چک، بلژیک، مجارستان، فنلاند، نروژ، دانمارک، اتریش، کرواسی، ایرلند، بلغارستان، اسلواکی، لیتوانی، استونی، لتونی، قبرس، مالت، لوکزامبورگ و لیختن‌اشتاین بیشتر است.

۶ میلیون کارتخوان مازاد

وجود تعداد زیاد دستگاه‌های POS در کشور در مقایسه با دیگر کشورها از جمله آلمان و ترکیه که جمعیت یکسانی با ایران دارند، مشخص است. اما این سوال وجود دارد که آیا تعداد دستگاه‌های POS سختی با تعداد واحدهای صنفی دارند و اخیراً براساس جدیدترین آمار منتشرشده از سوی وزارت صمت، تا پایان اردیبهشت امسال در مجموع بیش از دو میلیون و ۳۳۴ هزار واحد صنفی در کشور فعال است که تقریباً نصف آنها، یعنی بیش از یک میلیون و ۱۰۰ هزار واحد، در بخش توزیعی کار می‌کنند. از نیمه باقی مانده، حدود ۴۴۰ هزار واحد صنفی یعنی ۱/۸ درصد، در بخش تولید، ۳۸۸ هزار یعنی ۱/۶ درصد در بخش خدمات فنی و ۲۶۰ هزار یعنی ۱/۵ درصد در بخش خدمات فعال هستند. طبق این آمارها، تا پایان اردیبهشت امسال بیش از ۶۳ درصد واحدهای صنفی به کارتخوان، ۱/۸ درصد ترازوی دیجیتال و ۲/۶ درصد واحدها به صندوق مکانیزه مجهز شده‌اند. بر این اساس، اگر تعداد فعالیت‌های نیازمند دستگاه‌های POS (همچون فعالیت‌های غیر رسمی (دستفروشی و دوره گردی و...) و فعالیت‌های رسمی در ادارات دولتی، بیمارستان‌ها و...) را نیز به این تعداد اضافه کنیم، نیاز به این دستگاه‌ها بیش از چهار میلیون نخواهد بود؛ عددی که ۹/۸ میلیون دستگاه POS فاصله نزدیک به ۶ میلیونی دارد.

در سیستم شاپارک ایران تقریباً یک میلیون دستگاه بیش از تعداد POS‌های ۲۸ کشور شامل اسپانیا، لهستان، آلمان، یونان، هلند، پرتغال، سوئیس، سوئد، رومانی، جمهوری چک، بلژیک، مجارستان، فنلاند، نروژ، دانمارک، اتریش، کرواسی، ایرلند، بلغارستان، اسلواکی، لیتوانی، استونی، لتونی، اسلونی، قبرس، مالت، لوکزامبورگ و لیختن‌اشتاین است (این ۲۸ کشور ۸ میلیون و ۳۱۳ هزار دستگاه POS دارند). نکته قابل‌تامل اینکه کشورهای آلمان و ترکیه دقیقاً در حالی که جمعیت‌شان به تعداد جمعیت کشورمان است اما در آلمان ۹۲۲ هزار دستگاه POS و در ترکیه یک میلیون و ۶۹۲ هزار دستگاه وجود دارد و این درحالی است که طبق آمارهای شبکه شاپرک در آذرماه امسال تعداد دستگاه‌های POS فعال در ایران بیش از ۹/۸ میلیون دستگاه یا به‌عبارتی نزدیک به ۱۱ برابر آلمان و ۵/۱۷ برابر ترکیه است.

۲ برابر هند

براساس آمارهایی که بانک ذخیره هند (RBI) منتشر کرده، تا پایان نوامبر ۲۰۲۱ تعداد دستگاه‌های POS هند به ۵ میلیون و ۹۹۲ هزار و ۴۸۹ دستگاه رسیده است که این تعداد در مقایسه با مدت مشابه اکتبر ۲۰۲۰ که ۴ میلیون و ۵۷۷ هزار دستگاه بوده، رشد ۱۵/۶ درصدی را نشان می‌دهد. سرانه تعداد دستگاه‌های POS ارائه‌شده؛ اما تعداد نزدیک به ۵/۲ میلیون دستگاه POS در هند با جمعیت یک میلیارد و ۳۵۲ میلیون نفری درحالی است که کشورمان به ازای جمعیت ۸۴ میلیونی، بیش از ۹/۸ میلیون دستگاه POS فعال دارد. به‌عبارتی ایران با جمعیت ۸۴ میلیونی حدود ۱/۸ برابر هندی‌ها دستگاه POS دارد. توسعه زیرساخت‌های پرداخت در کشورمان امر قابل‌تقدیری است؛ اما مقایسه این اعداد و ارقام نشان می‌دهد سیستم مالی و بانکی کشور بدون رویکردهای تنظیمی، به‌حال خود‌راه شده است.

۴ برابر میانگین جهانی POS داریم

شاید گفته نشود مقایسه تعداد دستگاه‌های POS ایران با کشورهایی که تعداد جمعیت آنها با ایران برابری نمی‌کند، به‌لحاظ منطقی درست نیست؛ این سخن کاملاً درستی است. برای یکسان‌سازی ماهیت و شکل داده‌ها، در اینجا از آمارهای سرانه دستگاه POS یا آمار ضریب نفوذ POS استفاده کرده‌ایم که این آمار نیز نکات بسیار جالب‌توجهی دارد. برای نمونه،

در چین به ازای هر ۱۰ هزار فرد بالای ۱۸ سال، تعداد ۳۳۵ دستگاه POS وجود دارد، این تعداد در ایتالیا حدود ۵۱۰، برزیل ۵۱۷، آرژانتین ۲۴۰، مکزیک ۱۱۱، انگلیس ۴۱۵، استرالیا ۲۹۰، کانادا ۳۷۵، هلند ۲۹۰، ترکیه ۲۶۷ و در آلمان ۱۲۴ دستگاه است. این درحالی است که در ایران با لحاظ ۶۱ میلیون و ۸۲۲ هزار نفر افراد بالای ۱۸ سال، به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر بزرگسال تعداد ۱۵۹۱ دستگاه POS وجود دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سطح جهان به‌ازای هر ۱۰ هزار نفر بزرگسال، به‌طور میانگین ۳۷۰ دستگاه POS وجود دارد؛ این به‌این مفهوم است که تعداد ۱۵۹۱ دستگاه POS موجود در ایران تقریباً ۴/۳ برابر میانگین سرانه جهانی است. گرچه در کشورهای مختلف و در جغرافیا و اقتصادهای مختلف تعداد و نیاز به دستگاه‌های POS می‌تواند متفاوت باشد، اما به هر حال استاندارد آمارهای کشورهایی که اقتصاد آنها شباهت‌های زیادی با اقتصاد ایران دارند (از جمله برزیل، آرژانتین و ترکیه) نشان می‌دهد در اقتصاد ایران به شکل بی‌هدف و افراطی این دستگاه‌ها توزیع شده که